

ای آینه محکمی

تقدم به مادران سپید خاکی

مادر

من سوسن تو به آنگه خاستی نیادم  
در عرصه نبرد راهی  
بی حاست گریه کردن و گریه ماندن  
زنها را اگر در آن سوسن مستورا  
شادی کند ز گریه مادرشمن

مادر

نغمه غمزه مهیبت از آن ماست  
فرزند تو همایه جاوید سینه است  
ایمان همایه راست  
آن کودکی که آتش خود را به ما نیک زد  
با خون پر سراره به خاک وطن نوشت  
این سرزمین مکان هزاران آهمن است  
آئینش استواری و اسطوره کشتن است

مادر

مادر میاکی آتش و خونم و اضطراب  
ما شاید تولد تاریخ تازه ام  
لازمه وسیله و صاعقه باید گذر کنیم

مادر

" ای آینه محکمی و سزاواری  
اندر بلای سخت پدید آرند  
فضل و بزرگواری و درگواری "

نوران - ۱۳۸۵

زاده \* \* \*